شنبه 4/12/1403-23شعبان 1446- 22فوریه 2025 –درس 97فقه رهبری سازمانی –شرائط و موانع اثر بخشی – تسلیم وضدآن شک-

مساله87: مدیران در مقام ایفای نقش رهبری سازمانی اثر بخش موظفند در مقابل شک و تردید در اصول وفروع سازمانی تسلیم نشوند بلکه تسلیم یقین باشند و اقتدار لازم را برای غلبه یقین بر شک در نفس خود ایجاد نمایند و در تصمیمات و ارادات و داوریهای خود هرگز تردید راه ندهند و مقدمات بی تردیدی را تمهید کنند.

***شرح مساله***:معلوم شد که یکی از شرائط اثر بخشی رهبری سازمانی وصف تسلیم است به معنای ایقان و علم به مبانی واصول و اهداف دین ومدیریت اسلامی است و به اسناد بالادستی .ضد آن شک[[1]](#footnote-2) است که مانع اثر بخشی است وبه قرینه مضاده میشود عدم یقین و عدم علم است که در جنس جهل جمع میشوند که مسمای جنود جهل را هم توجیه میکند . مدیر شاک و مردد فاقد تاثیر انگیزش درکارکنان است بداهة زیرا قاطع نیست وانسان غیر قاطع، غیر موثر است چه در تصمیم سازی یا تصمیم گیری و چه در القاء مطالب که خود در صحت آنها مردد است و چه در اقناع مخاطبان سازمانی .زیرا کسی که خود نسبت به درستی مطالب مردد است فاقد اراده جدی خواهد بود و این تردید به مخاطب هم خواه نا خواه منتقل میشود . واصولا مدیر شاک اعم از کثیر الشک و قلیل الشک که شامل عدم تمرکز هم میشود قادر به رهبری نیست وشایسته آن نیست لقوله تعالی :" فی ریبهم یترددون " [[2]](#footnote-3)که دال بر مذمت مریب و مردد است و لقوله تعالی :" فی شک مریب " [[3]](#footnote-4)و" فی امر مریج "[[4]](#footnote-5) و" انا فی شک مما تدعوننا الیه مریب"[[5]](#footnote-6) که همگی ظاهرند در مذمت حالات تردید و مذمت یک فعل علامت حرمت آن فعل است و همین که از جنود جهل است کافی است در مذمومیت و فساد آن که ملاک حرمتند و لزوم اجتناب را به دنبال دارند عقلا وشرع زیرا بر فعل مجاز و مشروع کسی را مذمت نمیکنند. البته باد تفقه نمود که مصداق شک حرام چیست آیا چگونه میتوان از آن اجتناب کرد آیا شک که یک حالت نفسانی است ازاله آن اختیاری است یا دفع و رفع آن اختیاری است ؟ چگونه میتوان اختیارا شاک نبود ؟ یا باید گفت که اگر شک آمد نباید به آن اعنتاء کرد ؟ مثل مضمون قوله ع :" لاشک لکثیر الشک " ؟ البته شک اگر بیاید قابل ازاله است اگر مقدماتش را سست کنیم والا شک مثل قطع و ظن و و هم در نفس حادث میشود خواه ناخواه حتی معصومین هم چه بسا گرفتار میشوند لقوله تعالی :" وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّىٰ أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ " [[6]](#footnote-7)بر این مبنا که شک مورد نظر ما یعنی شک در امور اداری وسازمانی مشمول این القائات شیطانی باشد . این القائات قطعی است استثناء در سیاق نفی این قاعده را تایید میکند و در آن ظاهر است مهم نسخ این القاء و به جای آن اِحکام آیات خدا است که لابد این اِحکام در قالب یقین است والا اِحکام حساب نمیشود بر مبنای این قاعده وحیانی که عالیترین رهبران و مدیران یعنی انبیاء ورسولان بدون استئثناء دچار این القائات میشوند به طریق اولی مدیران راهبر غیر معصوم دچار این گونه القائات شبهات و شکوک هستند مهم ازاله آن است که باید از خدا کمک خواست وتا خداوند ضد آن عمل کند ویقین را جایگزین شک بنماید یعنی جند عقل را به جای جند جهل بنشاند فافهم . اگر شک موضوع مساله ما مصداق القائات شیطانی باشد ازاله اش واجب است با توکل توسل و تقویت یقین با راهبرد :" لاتنقض الیقین بالشک"[[7]](#footnote-8) که از قواعد اصول فقه است و در حقیقت تعلیم میدهد که نباید هیچگاه یقین را مغلوب و منقوض به شک کرد شک همیشه باید مغلوب و مقهور باشد لذا یقین سابق در استصحاب همیشه غلبه دارد بر شک لاحق [[8]](#footnote-9) و نوع اصول عملیه هم بر غلبه یقین بر شک استوار است مثل قاعده یقین و تخییر و برائت حتی احتیاط که مبتنی بر راهبرد اشتغال یقینی یقتضی برائة الیقینیه است و در ماثور آمده است که:" واجعل الیقین فی قلبی و البصیرة فی دینی " که در دو امر ظهور دارد یکی مذمومیت ضد یقین و دوم اراده ازاله آن در قالب دعا زیرا دعای بدون تمهید مقدمات مستجاب نیست امام هم در مصباح الشریعه بر این تاکید دارد [[9]](#footnote-10)

. و اصولا رهبران همواره مورد رصد هستند که معلوم شود رسالات الهی را ابلاغ میکنند لعموم :" یسلک .....رصدا لیعلم ان قد ابلغوا رسالات ربه "[[10]](#footnote-11) و این تکلیفی برای مدیران است که صیانت کنند تا اهداف سازمان تامین شود نه با شک و تردید بلکه با یقین .

شک هم فعل قلب است مثل یقین لذا دوائش هم در قلب است یعنی تخلیه آن از شک و تحلیه آن به یقین تا تجلیه اراده و انگیزه لازم برای بهبود مستمر و تعالی سازمانی[[11]](#footnote-12) در ددی گاه عقلانی و منطقی ااهل برهان بر اینن که شک در متعالیات وسیله خوبی برای ایصال به حقیقت محسوب نمیشود . این بر سیستم توانمندسازی هم هست که نسخ مشکوکات و اِحکام یقینیات را از نفوس کارکنان در دستور کار قرار دهد با جهاد تبیین و تا کمکی ره مدیران در اجرای وظیفه رهبری سازمانی بشود.

لذا صاحبان شک افرادی شایسته به حساب نمی آیند. و نمیتوانند سکان دار یک مجموعه باشند همه را دچار تردید میکنند که شامل تردید در مسیر و نقشه راه هم میشود کقوله :" العامل علی غیر بصیره کالسائر بغیر طریق لایزیده سرعه السیر الا بعدا"[[12]](#footnote-13) بر این مبنا که شاک فاقد بصیرت و درست اندیشی است و در تعیین طریق هم مردد است و عدم علم دارد . شک وتردید در حقائق یکی از ابزار مخالفن است برای سست کردن اراده های اهلی یک مجموعه . مدیر با قاطعیت ناشی از ایقان و تسلیم ،خنثی کننده تاثیر این گونه ابزار ها است مدیری که در رهبری اش هم خود قاطع و موقن است و هم پیروانش را به قاطعیت در مسیر و حرکت وامیدارد و هم القائات و تلقینات تردید بر انگیز را کنار میزند پس حرام است که تردید کند .

فتحصل: مدیران در مقام ایفای نقش رهبری سازمانی اثر بخش موظفند در مقابل شک و تردید در اصول وفروع سازمانی تسلیم نشوند بلکه تسلیم یقین باشند و اقتدار لازم را برای غلبه یقین بر شک در نفس خود ایجاد نمایند و در تصمیمات و ارادات و داوریهای خود هرگز تردید راه ندهند و مقدمات بی تردیدی را تمهید کنند.

1. ــ شک (تردید) مقابل [یقین](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86" \o "یقین" \t "_blank) یکی از عناوین مهمی است که در [فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%D9%87" \o "فقه" \t "_blank) و [اصول](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84" \o "اصول" \t "_blank) در مورد آن زیاد بحث شده است و در تمامی ابواب [فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%D9%87) جاری است.  
   ـــ شک، حالت نفسانی ناشی از تردید بین دو یا چند طرف، بدون [رجحان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%AC%D8%AD%D8%A7%D9%86" \o "رجحان" \t "_blank) داشتن هیچ یک از طرفین است

   ـــ شک در لغت به [حالت نفسانی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%A7%D9%84%D8%AA_%D9%86%D9%81%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C" \o "حالت نفسانی (پیوندی وجود ندارد)) ناشى از [تردید](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%AF" \o "تردید" \t "_blank) بین دو یا چند چیز گفته مى‌شود، در مقابل [یقین](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86). اعم از آنکه دو طرف تردید همسان (پنجاه پنجاه) باشند یا یک طرف بر طرف دیگر [رجحان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%AC%D8%AD%D8%A7%D9%86) داشته باشد؛ لیکن شک در کلمات [فقها](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%D9%87%D8%A7" \o "فقها" \t "_blank) دو اطلاق دارد؛ گاهى در برابر [یقین](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86) و [ظن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B8%D9%86" \o "ظن" \t "_blank) به کار مى‌رود که مراد از آن حالت نفسانى ناشى از تردید میان دو یا چند چیز به طور مساوى است و با [رجحان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%AC%D8%AD%D8%A7%D9%86) یک طرف، طرف راجح «[ظن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B8%D9%86)» و طرف مرجوح «[وهم](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D9%87%D9%85" \o "وهم" \t "_blank)» نامیده مى‌شود، نه شک. گاهى نیز در مقابل [یقین](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86) به کار مى‌رود و مراد از آن اعم از تردید متساوى الطرفین و وهم و ظنى است که از نظر [شرعی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%B9%DB%8C" \o "شرعی (پیوندی وجود ندارد)) دلیل بر اعتبار آن وجود ندارد.   
   ـــ شک، مقابل [علم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85" \o "علم" \t "_blank) و [ظن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B8%D9%86) و از حالت‌های نفسانی [انسان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86" \o "انسان" \t "_blank) است که از تردید در انتخاب یکی از دو طرف احتمال ناشی می‌گردد که هیچ یک بر دیگری برتری ندارد؛ به عبارت دیگر، شک در جایی مطرح است که [انسان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86) در انتخاب یکی از دو گزینه مردد شود و هیچ یک از آنها در نظر او بر دیگری مزیّتی نداشته باشد.  
     
   در [علم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85) [اصول فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84_%D9%81%D9%82%D9%87" \o "اصول فقه" \t "_blank)، شک، [حجت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%AC%D8%AA" \o "حجت" \t "_blank) نیست و [ظن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B8%D9%86) غیر معتبر و [وهم](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D9%87%D9%85) نیز به شک ملحق می‌شود؛ به بیان دیگر، می‌توان گفت در [اصول](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84) ، شک در مقابل [یقین](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86) است و یقین شامل [یقین وجدانی](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86_%D9%88%D8%AC%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C" \o "یقین وجدانی" \t "_blank) ( [قطع](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B7%D8%B9" \o "قطع" \t "_blank) صد در صد) و [یقین تعبدی](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86_%D8%AA%D8%B9%D8%A8%D8%AF%DB%8C" \o "یقین تعبدی" \t "_blank) (ظنی که دلیل معتبر بر حجیت آن، وجود دارد) است؛ بنابراین، ظن غیر معتبر، وهم و شک هر سه در اصول، «شک» نامیده شده و احکام شک در مورد آنها جاری می‌گردد

   از عنوان یاد شده در [اصول فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84_%D9%81%D9%82%D9%87) مباحث [حجت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%AC%D8%AA) سخن گفته‌اند و در [فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%D9%87) در بسیارى از ابواب، اعم از [عبادات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%AF%D8%A7%D8%AA" \o "عبادات" \t "_blank) و [معاملات](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B9%D8%A7%D9%85%D9%84%D8%A7%D8%AA" \o "معاملات" \t "_blank) به کار رفته، ضمن آنکه موضوع بسیارى از قواعد و [اصول فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84_%D9%81%D9%82%D9%87) ى است.

   شک گاهى [موضوع](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%B9" \o "موضوع" \t "_blank) براى [حکم واقعی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85_%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%DB%8C" \o "حکم واقعی" \t "_blank) است، مانند شک در رکعات [نماز](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2" \o "نماز" \t "_blank) که در برخى حالات، موجب تبدیل [حکم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85" \o "حکم" \t "_blank) واقعى به رکعتهاى جداگانه مى‌شود، و گاهى [موضوع](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%B9) براى [حکم ظاهری](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85_%D8%B8%D8%A7%D9%87%D8%B1%DB%8C" \o "حکم ظاهری" \t "_blank). از قسم اول در [فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%D9%87) و از قسم دوم در [اصول فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84_%D9%81%D9%82%D9%87) مبحث اصول عملى بحث شده است.   
   همچنین شک به اعتبار متعلق آن به دو قسم موضوعى و حکمى تقسیم مى‌گردد که‌ از آن به [شبهه موضوعی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%A8%D9%87%D9%87_%D9%85%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%B9%DB%8C" \o "شبهه موضوعی" \t "_blank) و [شبهه حکمی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%A8%D9%87%D9%87_%D8%AD%DA%A9%D9%85%DB%8C" \o "شبهه حکمی" \t "_blank) تعبیر مى‌کنند. در قسم اول، متعلق شک [موضوعِ خارجی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%B9%D9%90_%D8%AE%D8%A7%D8%B1%D8%AC%DB%8C" \o "موضوعِ خارجی (پیوندی وجود ندارد)) است، مانند شک در پاک یا [کر](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%A9%D8%B1" \o "کر" \t "_blank) بودن آبى؛ اما در قسم دوم، متعلّق آن حکم کلى شرعى یا [مکلف](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%DA%A9%D9%84%D9%81" \o "مکلف" \t "_blank) به کلى است، مانند شک در [حرمت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B1%D9%85%D8%AA" \o "حرمت" \t "_blank) [مواد مخدر](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%AF_%D9%85%D8%AE%D8%AF%D8%B1" \o "مواد مخدر" \t "_blank) یا [واجب](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8" \o "واجب" \t "_blank) بودن [نماز ظهر](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2_%D8%B8%D9%87%D8%B1" \o "نماز ظهر" \t "_blank) در روز جمعه شک به اعتبار سرایت و عدم سرایت آن به یقین سابق، به [شک ساری](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9_%D8%B3%D8%A7%D8%B1%DB%8C" \o "شک ساری" \t "_blank) و [شک طاری](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9_%D8%B7%D8%A7%D8%B1%DB%8C" \o "شک طاری" \t "_blank) و به لحاظ مسبب بودن شک از شکى دیگر و سبب بودن شک دوم براى شک اول، به شک سببى و مسببى و به اعتبار شک در بقا به جهت شک در قابلیت و اقتضاى موضوع آن براى بقا و یا تحقق رافع بقا، به [شک در مقتضی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9_%D8%AF%D8%B1_%D9%85%D9%82%D8%AA%D8%B6%DB%8C" \o "شک در مقتضی" \t "_blank) و [شک در رافع](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9_%D8%AF%D8%B1_%D8%B1%D8%A7%D9%81%D8%B9" \o "شک در رافع" \t "_blank) تقسیم مى‌شود.

   [۴.۱ - بعد اصولی شک](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9" \l "%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84%DB%8C%20%D8%B4%DA%A9" \o "بعد اصولی شک)

   براى [مجتهد](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AC%D8%AA%D9%87%D8%AF" \o "مجتهد" \t "_blank) ى که در پى [استنباط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%A8%D8%A7%D8%B7" \o "استنباط" \t "_blank) [حکم شرعی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85_%D8%B4%D8%B1%D8%B9%DB%8C" \o "حکم شرعی" \t "_blank) است یکى از حالات سه گانه [یقین](https://fa.wikifeqh.ir/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86)، [ظن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B8%D9%86) و شک پدید مى‌آید. با حصول یقین و قطع به [حکم شرعی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85_%D8%B4%D8%B1%D8%B9%DB%8C)، بر اساس آن عمل مى‌شود و در صورت حصول ظن، با اقامه دلیل معتبر شرعى بر [حجیت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%AC%DB%8C%D8%AA" \o "حجیت" \t "_blank) آن، همچون [خبر واحد](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%A8%D8%B1_%D9%88%D8%A7%D8%AD%D8%AF" \o "خبر واحد" \t "_blank) نیز طبق آن عمل مى‌شود، و با عدم وجود [دلیل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84" \o "دلیل" \t "_blank)، حکم شک بر آن جارى مى‌گردد. اما اگر براى [مجتهد](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AC%D8%AA%D9%87%D8%AF) نسبت به [حکم شرعی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85_%D8%B4%D8%B1%D8%B9%DB%8C) شک پدید آید، با مراجعه به منابع [استنباط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%A8%D8%A7%D8%B7)، مانند [کتاب](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8" \o "کتاب" \t "_blank) و [سنت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%86%D8%AA" \o "سنت" \t "_blank)، در صدد فحص از [دلیل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AF%D9%84%DB%8C%D9%84) برمى‌آید و در صورت نیافتن دلیلى معتبر بر [حکم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85)، [شارع](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%A7%D8%B1%D8%B9" \o "شارع" \t "_blank) مقدس براى تعیین وظیفه [مکلف](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%DA%A9%D9%84%D9%81) در این موقعیت، اصولى را مقرر کرده که از آنها به [اصول عملی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84_%D8%B9%D9%85%D9%84%DB%8C" \o "اصول عملی" \t "_blank) یاد مى‌شود. حکم به دست آمده از اصول عملى،[حکم ظاهری](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85_%D8%B8%D8%A7%D9%87%D8%B1%DB%8C) یا [واقعی ثانوی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%DB%8C_%D8%AB%D8%A7%D9%86%D9%88%DB%8C" \o "واقعی ثانوی (پیوندی وجود ندارد)) نامیده مى‌شود.

   [۴.۲ - بعد فقهی شک](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9" \l "%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D9%81%D9%82%D9%87%DB%8C%20%D8%B4%DA%A9" \o "بعد فقهی شک)

   براى تعیین وظیفه [مکلف](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%DA%A9%D9%84%D9%81) هنگام شک، قواعد خاص بسیارى تحت عنوان «[قواعد فقهی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D9%88%D8%A7%D8%B9%D8%AF_%D9%81%D9%82%D9%87%DB%8C" \o "قواعد فقهی" \t "_blank)» وجود دارد و برخى فقها کتابهایى مستقل با همین عنوان نگاشته‌اند.

   تفاوت [قواعد فقهی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D9%88%D8%A7%D8%B9%D8%AF_%D9%81%D9%82%D9%87%DB%8C) با [اصول عملی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84_%D8%B9%D9%85%D9%84%DB%8C)- که قواعدى اصولى است- آن است که اصول عملى اختصاص به موضوعى یا بابى خاص از ابواب فقه ندارد؛ بلکه در سرتاسر فقه در همه موضوعات جریان دارد، بر خلاف قواعد فقهى که یا اختصاص به برخى ابواب دارد، مانند [قاعده طهارت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D8%B7%D9%87%D8%A7%D8%B1%D8%AA" \o "قاعده طهارت" \t "_blank) اختصاصى باب [طهارت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B7%D9%87%D8%A7%D8%B1%D8%AA" \o "طهارت" \t "_blank) و قاعده مختص باب [صلات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AA" \o "صلات" \t "_blank)، و یا به موضوعات معینى اختصاص دارد؛ هرچند در تمامى یا بیشتر بابهاى [فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%D9%87) کاربرد دارد، مانند [قاعده لاضرر](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%84%D8%A7%D8%B6%D8%B1%D8%B1" \o "قاعده لاضرر" \t "_blank) و [قاعده لاحرج](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%B1%D8%AC" \o "قاعده لاحرج" \t "_blank) که هر چند در بیشتر یا تمامى ابواب فقه جریان دارند، اما تنها در موضوع ضررى و حرجى [در سرتاسر فقه، احکام خاص بسیارى در فرض شک در موضوعى خاص وجود دارد که در عناوین مربوط بیان مى‌شود، همانند احکام شک در [نماز](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2) که در [شکیات نماز](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2" \o "شکیات نماز (پیوندی وجود ندارد)) و احکام شک در [طواف](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B7%D9%88%D8%A7%D9%81" \o "طواف" \t "_blank) و [سعی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%B9%DB%8C" \o "سعی" \t "_blank) که در عناوین [طواف](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B7%D9%88%D8%A7%D9%81) و [سعی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%B9%DB%8C) ذکر مى‌شود. [↑](#footnote-ref-2)
2. 45توبهوَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍتنها كسانى كه به خدا و روز قيامت ايمان ندارند و دل هايشان به شك افتاده [براى نرفتن به جهاد] از تو اجازه مى‌خواهند، پس ايشان در ترديد خود سرگردان اند

   و به راستی به موسی کتاب دادیم، پس در آن اختلاف شد، و اگر از سوی پروردگارت [به سبب اتمام حجت] مهلتی برای انسان تا اجل معینش مقدر نشده بود، یقیناً میانشان [به عذاب] داوری شده بود [و هیچ کس از آنان پس از آن داوری زنده نمی ماند] و این یهودی ها [یِ عصر تو] درباره تورات [که بخشی از آیاتش تحریف شده و پاره ای از مطالبش آمیخته با خرافات و قسمتی از نوشته هایش دور از فطرت و غیر قابل اجراست] در تردیدی آمیخته با بدگمانی اند.

   [مشاهده آیه در سوره](https://wiki.ahlolbait.com/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D9%87%D9%88%D8%AF/%D9%85%D8%AA%D9%86_%D9%88_%D8%AA%D8%B1%D8%AC%D9%85%D9%87#110)

   [11–110] ([مشاهده آیه در سوره](https://wiki.ahlolbait.com/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D9%87%D9%88%D8%AF/%D9%85%D8%AA%D9%86_%D9%88_%D8%AA%D8%B1%D8%AC%D9%85%D9%87#110)) [↑](#footnote-ref-3)
3. وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ

   و به راستی به موسی کتاب دادیم، پس در آن اختلاف شد، و اگر از سوی پروردگارت [به سبب اتمام حجت] مهلتی برای انسان تا اجل معینش مقدر نشده بود، یقیناً میانشان [به عذاب] داوری شده بود [و هیچ کس از آنان پس از آن داوری زنده نمی ماند] و این یهودی ها [یِ عصر تو] درباره تورات [که بخشی از آیاتش تحریف شده و پاره ای از مطالبش آمیخته با خرافات و قسمتی از نوشته هایش دور از فطرت و غیر قابل اجراست] در تردیدی آمیخته با بدگمانی اند.

   [مشاهده آیه در سوره](https://wiki.ahlolbait.com/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D9%87%D9%88%D8%AF/%D9%85%D8%AA%D9%86_%D9%88_%D8%AA%D8%B1%D8%AC%D9%85%D9%87#110)

   [11–110] ([مشاهده آیه در سوره](https://wiki.ahlolbait.com/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D9%87%D9%88%D8%AF/%D9%85%D8%AA%D9%86_%D9%88_%D8%AA%D8%B1%D8%AC%D9%85%D9%87#110)) [↑](#footnote-ref-4)
4. بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ فَهُمۡ فِيٓ أَمۡرࣲ مَّرِيجٍ 5قبلكه آنان حق را وقتى به سراغشان آمد، تكذيب كردند؛ بنا بر اين در كار دين سرگردانند

   5 [↑](#footnote-ref-5)
5. قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَٰذَا ۖ أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ

   گفتند: ای صالح! پیش از این در میان ما [به عنوان انسانی عاقل و خردمند] مورد امید بودی، آیا ما را از پرستیدن آنچه پدرانمان می پرستیدند، باز می داری؟ و ما بی تردید در [درستی و صحّت] تعالیمی که به آن دعوتمان می کنی در شکی شدید و سخت هستیم [چنان شکی که در خردمندی تو نیز دچار تردیدیم.]

   [11–62] ([مشاهده آیه در سوره](https://wiki.ahlolbait.com/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D9%87%D9%88%D8%AF/%D9%85%D8%AA%D9%86_%D9%88_%D8%AA%D8%B1%D8%AC%D9%85%D9%87#62)) [↑](#footnote-ref-6)
6. وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّىٰ أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

   و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه هرگاه آرزو می کرد [اهداف پاک و سعادت بخش خود را برای نجات مردم از کفر و شرک پیاده کند] شیطان [برای بازداشتن مردم از پذیرش حق] در برابر آرزویش شبهه و وسوسه می انداخت، ولی خدا آنچه را شیطان [از وسوسه ها و شبهه ها می اندازد] می زداید و محو می کند، سپس آیاتش را محکم و استوار می سازد؛ و خدا دانا و حکیم است.حج–52 [↑](#footnote-ref-7)
7. ا خبار لا تنقض، اخباری است که برای حجیت استصحاب مورد استناد قرار گرفته و بیان می‌کنند که یقین سابق با شک لاحق از بین نمی‌رود؛ به بیان دیگر به اخباری گفته می‌شود که جمله «لا تنقض الیقین بالشک» یا «فلیس ینبغی ان ینقض الیقین بالشک» یا «لا ینقض الیقین ابدا بالشک» یا «فان الشک لا ینقض الیقین» و نظایر آن در آنها به کار رفته ... [↑](#footnote-ref-8)
8. [۴.۱.۱ - اصول عملی و خاستگاه آن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9" \l "%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84%20%D8%B9%D9%85%D9%84%DB%8C%20%D9%88%20%D8%AE%D8%A7%D8%B3%D8%AA%DA%AF%D8%A7%D9%87%20%D8%A2%D9%86" \o "اصول عملی و خاستگاه آن)

   اصول عملى که در همه ابواب [فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%D9%87) و تمامى اقسام شک، اعم از موضوعى و حکمى جریان دارد چهار اصل است که عبارتند از: [استصحاب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B5%D8%AD%D8%A7%D8%A8" \o "استصحاب" \t "_blank)، [برائت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D8%AA" \o "برائت" \t "_blank)، [احتیاط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AD%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D8%B7" \o "احتیاط" \t "_blank) و [تخییر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%AE%DB%8C%DB%8C%D8%B1" \o "تخییر" \t "_blank).  
   خاستگاه [اصول عملی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84_%D8%B9%D9%85%D9%84%DB%8C) بدین گونه است که مشکوک یا حالت سابقى که [شارع](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%A7%D8%B1%D8%B9) آن را لحاظ کرده باشد، دارد و یا ندارد. در صورت دوم، [تکلیف](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%DA%A9%D9%84%DB%8C%D9%81" \o "تکلیف" \t "_blank) یا مطلقا [مجهول](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AC%D9%87%D9%88%D9%84" \o "مجهول (پیوندی وجود ندارد)) است؛ یعنى حتى جنس تکلیف (الزامى یا غیر الزامى بودن آن) نیز معلوم نیست، و یا به اجمال معلوم است. در فرض دوم یا [احتیاط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AD%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D8%B7) ممکن است یا ممکن نیست. مورد نخست (حالت سابق داشتن مشکوک) مجراى [استصحاب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B5%D8%AD%D8%A7%D8%A8)، مورد دوم (مجهول مطلق بودن تکلیف) مجراى [اصل برائت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D8%AA" \o "اصل برائت" \t "_blank) ، مورد سوم (معلوم الحکم بودن مشکوک به اجمال با امکان احتیاط) مجراى [اصل احتیاط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%A7%D8%AD%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D8%B7" \o "اصل احتیاط" \t "_blank) و مورد چهارم (معلوم الحکم بودن مشکوک به اجمال با عدم امکان احتیاط) مجراى [اصل تخییر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%AA%D8%AE%DB%8C%DB%8C%D8%B1" \o "اصل تخییر" \t "_blank) است.  [↑](#footnote-ref-9)
9. . مصباح الشريعة ـ فيما نسبه إلى الإمام الصّادقِ عليه السلام ـ : لا تَدَعِ اليَقينَ بالشكِّ، و المَكشوفَ بالخَفيِّ ، و لا تَحكُمْ على ما لم تَرَهُ بما يُروى لكَ عَنهُ ، و قد عَظَّمَ اللّه ُ عَزَّ و جلَّ أمرَ الغِيبَةِ و سُوءِ الظَّنِّ بإخوانِكَ المُؤمِنينَ .[[مصباح الشريعة : 386 .]](https://www.hadithlib.com/hadithtxts/view/25015609)

   مصباح الشريعة ـ در آنچه به امام صادق عليه السلام نسبت داده است ـ : نه يقين را با شك از دست ده و نه آشكار را با پنهان. و درباره آنچه خود نديده اى، بر اساس گفته ديگران ، داورى مكن. خداوند عزّ و جلّ موضوع غيبت و بدگمانى به برادران مؤمنت را با اهميت قرار داده است. [↑](#footnote-ref-10)
10. لَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًامگر پیامبرانی را که [برای آگاه شدن از غیب] برگزیده است، پس نگهبانانی [برای محافظت از آنان] از پیش رو و پشت سرشان می گمارد جن27

    لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًاتا مشخص کند که پیام های پروردگارشان را [به طور کامل به مردم] رسانده اند و او به آنچه نزد آنان است احاطه دارد، و همه چیز را از جهت عدد، شماره و احصا کرده است جن28 [↑](#footnote-ref-11)
11. معنی لفظ کلمه شک به این بستگی دارد که چگونه به مفهوم شک نگاه می‌کنید.دیدگاه عقلانی ([عقل](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D9%82%D9%84) در نظر حکمای الهی) و برهانی شک این‌است که شک به راه تعالی نمیتواند وسیله رسیدن به حقیقت محسوب می‌شود و راه نجات انسان نیست. شک در مقابل [یقین](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%86) قرار می‌گیرد در یک کلمه فرق بین شک و یقین [علیت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D9%84%DB%8C%D8%AA) است اگر امری دلیل دارد یقین است و اگر ندارد صدق ان [زیر تیغ](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%DB%8C%D8%B1_%D8%AA%DB%8C%D8%BA) شک می‌رود.

    شکاکان بزرگ تمام عقاید و آرا را زیر تیغ شک بردند جز چند مورد که سالم ماندند:

    عدم اجتماع نقیضین

    بزرگتر بودن کل از جزِ خود

    به این دو مورد شک راه ندارد زیرا اگر در مورد اول شک کنیم خود شک ما باطل می‌شود و در مورد دوم اگر شک کنیم بازهم لازمه محال رخ داده و شک ما باطل می‌شود. (دقت کنید که در هر دو مورد روا نبودن شک از علیت تبعیت می‌کرد) امور بالا را اهل منطق، اصل یقینیات می‌دانند. در مورد علیت نیز باید گفت تمام احکام و امور صادره چه عقلی ٬وجدانی و حسی وچه امری و مولوی از ان جهت که حکم و امر است وجوداً بر مبنای علت و معلول بنا شده‌اند و حالت دیگری در این قضیه راه ندارد زیرا اگر حالت دیگری نیز بیان شود باید دلیل و علت داشته باشد و مورد سیطره علیت قرار می‌گیرد. شک راه صدق و کذب را نمایان و باعث تحول و تغییر می‌شود و باعث درست شدن عقاید و نظرات است. نویسنده مسلمان مصری ([محمود الجوزفی](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D8%AD%D9%85%D9%88%D8%AF_%D8%A7%D9%84%D8%AC%D9%88%D8%B2%D9%81%DB%8C&action=edit&redlink=1)) در [کتاب احادیث روایت نشده](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8_%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%AA_%D9%86%D8%B4%D8%AF%D9%87&action=edit&redlink=1) دربارهٔ شک می‌نویسد:و جَعَل المَشکوکین فی العَرضِ و خالدین فیها (همانا شک کنندگان در زمین می‌مانند و در آن جاودانه اند)[[۱]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%DA%A9#cite_note-Doubt-1) [↑](#footnote-ref-12)
12. الإمامُ الصّادقُ عليه السلام : العامِلُ عَلى غَيرِ بَصيرَةٍ كَالسّائرِ عَلى غَيرِ الطَّريقِ ، و لا يَزيدُهُ سُرعَةُ السَّيرِ مِنَ الطَّريقِ إلاّ بُعدا .[[الأمالي للصدوق : 507/705 .]](https://www.hadithlib.com/hadithtxts/view/25014102)

    امام صادق عليه السلام : كسى كه بدون بينش عمل كند، همچون كسى است كه در بيراهه رود، چنين كسى هر چه تندتر رود، از راه دورتر مى افتد. [↑](#footnote-ref-13)